

بررسی فقهی - حقوقی تعیین نرخ سود بانکی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۰/۱

تاریخ تأیید: ۱۳۸۶/۱۱/۳

سیدعباس موسویان*

چکیده

یکی از موضوعات چالشی سال‌های اخیر بخش پول و بانکداری کشور، موضوع تعیین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری دیگر است. تعیین نرخ سود و کیفیت تصمیم‌گیری و نحوه ابلاغ آن، از جهات فقهی، حقوقی و اقتصادی قابل نقد و بررسی است. در این مقاله، بعد از تبیین دیدگاه فقه اسلامی پیرامون حکم قیمت‌گذاری به صورت عام در همه بازارها و به صورت خاص در بانکداری بدون ربا، به این نتیجه می‌رسیم که اولاً، در شرایط عادی اقتصاد، کسی حق قیمت‌گذاری ندارد و قیمت در بازار تعیین می‌شود. ثانیاً، در شرایط غیرعادی مانند تبانی و احتکار، حاکم اسلامی مسئولیت دارد با اتخاذ تدابیر لازم، وضعیت اقتصادی را به شرایط طبیعی برگرداند و نوبت به قیمت‌گذاری نمی‌رسد. ثالثاً، اگر صاحبان کالاها و خدمات سوء استفاده کنند و قیمتی تعیین کنند که کسی توان خرید نداشته باشد و آن قیمت به وسیله‌ای برای احتکار تبدیل شود، حاکم اسلامی حق قیمت‌گذاری دارد و قیمت تعیین شده باید متناسب با قیمت بازار باشد و موجب ضرر و زیان به فروشنده و خریدار نشود. مطابق قانون عملیات بانکی بدون ربا، گرچه بانک مرکزی اختیار تعیین نرخ سود را دارد، ولی این اختیار در چارچوب رابطه حقوقی سپرده‌ها، تسهیلات و ماهیت بانک تعریف می‌شود.

واژگان کلیدی: قیمت‌گذاری، وکالت، بهره، سود بانکی، سود اسمی، سود واقعی.

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (samosavian@yahoo.com).

مقدمه

یکی از موضوعات چالشی سال‌های اخیر بخش پول و بانکداری کشور، موضوع تعیین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری دیگر است. تعیین نرخ سود و کیفیت تصمیم‌گیری و نحوهٔ ابلاغ آن، از جهات فقهی، حقوقی و اقتصادی قابل نقد و بررسی است.

مطالعات نظری و تجربی نشان می‌دهد که نرخ‌های سود بانکی در یک بازار آزاد اقتصادی، چه در طرف سپرده‌ها و چه در طرف تسهیلات، نتیجهٔ تعادلی عرضه و تقاضای سرمایه در بخش واقعی اقتصاد است و تغییر نرخ‌های سود بانکی، در سطح خرد بر دارایی و درآمد افراد و خانوارها و در سطح کلان بر حجم کل سپرده‌ها، ترکیب انواع سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری و نرخ تورم تأثیر می‌گذارد. بنابراین، هر نوع تغییری باید با رعایت دقیق ابعاد فقهی، حقوقی و اقتصادی باشد.

مطالعهٔ تاریخ بانکداری ایران نشان می‌دهد که نرخ‌های سود بانکی، چه پیش از انقلاب و چه بعد از آن، به وسیلهٔ دولت و بانک مرکزی و همیشه براساس مصالح کوتاه‌مدت و مقطعی تصمیم‌گیری و به صورت دستوری تعیین شده است. این امر باعث شده است در هیچ زمانی نرخ‌های سود بانکی، نرخ‌های تعادلی بازار نباشد.

در این مقاله، بعد از تبیین دیدگاه فقه اسلامی پیرامون حکم قیمت‌گذاری به صورت عام در همهٔ بازارها و بررسی نظریهٔ وکالت و تعیین نرخ‌های سود بانکی در قانون عملیات بانکی بدون ربا و ارائهٔ گزارش از آخرین مطالعات نظری و تجربی دربارهٔ ارتباط تغییر نرخ‌های سود بانکی با متغیرهای کلان اقتصادی مانند پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تورم، به دنبال نتایج زیر هستیم:

۱. با توجه به فقه اسلامی و قانون عملیات بانکی بدون ربا، بهترین شیوه برای رسیدن به نرخ‌های سود عادلانه، زمینه‌سازی برای آزادسازی نرخ‌های سود بانکی است.

۲. اگر به دلیل وضعیت خاص اقتصادی، ناچار از تعیین موقت نرخ‌های سود بانکی هستیم، این نرخ باید با هدف نزدیک شدن به وضعیت تعادلی بازار و هم‌سو با نرخ‌های بازار باشد.

۳. راه کار کوتاه مدت برای نزدیک کردن «نرخ های دستوری» به «نرخ های تعادلی بازار»، آن است که نرخ های سود بانکی ایران (نرخ سود سپرده ها، تسهیلات و حاشیه سود بانکی) با نرخ های متوسط جهانی مقایسه شود و تغییرات نرخ ها در جهت دستیابی به آن نرخ ها باشد.

۱. قیمت گذاری از دیدگاه فقه اسلامی

فقیهان بزرگوار اسلام موضوع قیمت گذاری را در ضمن مسئله احتکار و تبانی برای گران فروشی بحث می کنند و این بدان معناست که اصل اولی از دیدگاه فقه اسلامی، اصل آزادی افراد و بازار در تعیین قیمت کالاها و خدمات است و فقط در شرایط خاص مانند احتکار، انحصار و تبانی برای گران فروشی، بحث اختیار حاکم اسلامی برای قیمت گذاری مطرح می شود.

اکثر فقیهان اسلام اعم از شیعه و سنی، با استناد به روایات وارده از معصومین علیهم السلام، حتی در شرایط خاص مثل احتکار و تبانی، به ممنوعیت قیمت گذاری از سوی حاکم اسلامی قائل اند و معتقدند که قیمت باید توسط بازار تعیین شود. در مقابل آن، دیدگاه فقیهانی است که در شرایط خاص، قیمت گذاری از سوی حاکم اسلامی را با رعایت ضوابطی مجاز می شمارند. قبل از تبیین این دیدگاه ها و انتخاب دیدگاه مختار، با روایات این بحث که مستند همه فقیهان است آشنا می شویم.

۱-۱. روایات ناظر به موضوع قیمت گذاری

در مسئله ممنوعیت یا جواز قیمت گذاری از سوی حاکم اسلامی، روایات متعددی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده است که در مجموع می توان آنها را به دو گروه تقسیم کرد. نقل همه روایات در قالب مقاله امکان پذیر نیست، بنابراین نمونه هایی از هر گروه را به تناسب نقل می کنیم.

الف. روایات نافی قیمت گذاری

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند:

روزی حضرت بر محرکان گذشتند، امر فرمودند که اموال احتکار شده آنان را به بازارها بکشانند، به گونه ای که در دید مردم قرار گیرد. سپس به آن حضرت عرض شد:

ای کاش نرخ معین می‌کردید. آن حضرت از این پیشنهاد خشمگین شدند، به طوری که آثار خشم بر چهره مبارکشان ظاهر شد و فرمودند: من قیمت تعیین کنم؟ همانا قیمت‌ها با خداوند متعال است. هرگاه بخواهد بالا می‌برد و هرگاه بخواهد پایین می‌آورد (طوسی، ۱۴۰۱، ج ۷: ۱۶۱).

۲. شیخ صدوق نقل می‌کند:

به رسول خدا ﷺ عرض شد: کاش برای ما نرخ کالاها را تعیین می‌کردید، زیرا نرخ‌ها در نوسان است و بالا و پایین می‌رود. حضرت فرمودند: من آن کس نیستم که خدای را با بدعتی که درباره آن سخنی به من نفرموده‌اند، ملاقات کنم. پس بندگان خدا را به حال خودشان بگذارید تا گروهی از گروهی دیگر استفاده کنند و اگر درصدد خیرخواهی هستید، اینگونه خیرخواهی کنید (صدوق، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۶۸).

۳. کلینی در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

در زمان رسول الله ﷺ طعام نایاب شد. مسلمانان خدمت آن حضرت رسیده، عرض کردند: یا رسول الله ﷺ، آذوقه تمام شده و چیزی از آن باقی نمانده مگر نزد فلانی. امر کنید که بفروشد. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول الله ﷺ حمد و ثنای الهی را به جای آورده و فرمودند: ای فلانی! مسلمانان می‌گویند طعام تمام شده و چیزی جز آنچه دست توست باقی نمانده. پس باید آن را بیرون آورده و عرضه کنی و به هر کیفیتی که هست بفروش و آن را حبس نکن (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵: ۱۶۴).

۴. انس بن مالک نقل می‌کند:

در زمان رسول الله ﷺ گرانی پدید آمد. مردم حضور پیامبر رسیدند و عرض کردند: یا رسول الله ﷺ، نرخ‌ها بالا رفته، برای ما نرخ‌ها را تعیین کن. رسول خدا فرمودند: فقط خداوند متعال تعیین‌کننده قیمت‌هاست. گشایش و تنگی روزی در دست توانای اوست و من امیدوارم خداوند را در حالی ملاقات کنم که هیچ‌یک از شما مظلومه‌ای در خون و مال از من مطالبه نکند (الهندی، ۱۳۹۷، ج ۴: ۱۸۴).

افزون بر اینها، روایات متعدد دیگری در متون روایی شیعه و سنی وجود دارد که به صورت مطلق و حتی در شرایط خاص مانند احتکار، از قیمت‌گذاری منع کرده‌اند و چنانکه خواهد آمد، اکثر فقیهان با استناد به این روایات، به عدم جواز قیمت‌گذاری فتوا داده‌اند.

ب. روایات مجوز قیمت گذاری

در نقطه مقابل روایات پیش گفته، روایات دیگری وجود دارد که برخی از فقیهان و اندیشمندان با استناد به آنها مدعی جواز قیمت گذاری توسط حاکم اسلامی هستند، مانند:

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام زمانی که مالک اشتر را به عنوان والی مصر تعیین کردند، در نامه‌ای خطاب به ایشان دستورالعمل‌هایی را تعیین کردند. از جمله، فرمودند:

از احتکار ممانعت کن، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن منع فرمودند و باید دادوستد، بدون سخت‌گیری و با موازین عدل و نرخ‌هایی که موجب اجحاف به هریک از فروشنده و خریدار نباشد انجام پذیرد (سیدرضی، ۱۴۰۶، نامه ۵۳).

۲. در روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد قیمت گذاری پرسیدند. حضرت فرمودند:

امیرالمؤمنین علیه السلام بر کسی قیمت تعیین نمی‌کردند، ولی هر کس که در معامله با مردم کم می‌گذاشت، به او گفته می‌شد: همانگونه که مردم معامله می‌کنند معامله کن و یا از بازار مسلمانان خارج شو، مگر اینکه طعام بهتری از طعام دیگران داشت (المغربی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۶).

مطابق این روایت، فقط در صورتی اجازه داده می‌شد فروشنده‌ای به قیمتی بالاتر از قیمت بازار بفروشد که جنس مرغوب‌تری را ارائه می‌کرد.

۳. کلینی از ابی جعفر فزاری روایت کرده است:

روزی امام صادق علیه السلام یکی از غلامان خود را به نام مصادف به حضور طلبید و یک هزار دینار به وی داد و فرمود: اهل و عیال من زیاد شده و مخارجم سنگین شده است. آماده باش که جهت تجارت به مصر مسافرت کنی. غلام خود را مهیا کرد و با کالاهایی به همراه تجار به سوی مصر حرکت کرد. چون به مصر نزدیک شدند، با کاروانی که از آنجا خارج شده بود روبه‌رو شدند و از آنها درباره کالایی که به همراه داشتند و از اجناسی که مورد نیاز عموم بود پرسیدند و گفتند: وضعیت این اجناس در مصر چگونه است؟ آنها در پاسخ گفتند: از این کالاها در اینجا هیچ موجود نیست. تجار مدینه با شنیدن این سخن، هم‌سوگند شدند و هم‌پیمان شدند که سود متاعشان را از هر دیناری به دیناری کمتر نکنند و همین‌طور هم عمل کردند. پس از جمع اموال، به مدینه بازگشتند. مصادف خدمت امام صادق علیه السلام رسید، در حالی که دو کیسه که هریک مشتمل بر هزار دینار بود به همراه داشت. عرض کرد: تصدقتان! این یک کیسه اصل سرمایه و این یک کیسه دیگر، سود آن است. امام علیه السلام فرمودند: این سود بسیار است. بگو ببینم با

کالا چه انجام دادی؟ غلام ماجرای هم‌سوگندی بر سود کلان را تعریف کرد. امام علیه السلام فرمودند: سبحان الله، هم‌سوگند شدید که بر مسلمین کالا نفروشید، مگر با سود دینار به دینار؟ آنگاه امام یکی از دو کیسه را برداشته و فرمودند: این سرمایه اصلی من و نیازی به این سود ندارم. سپس فرمودند: ای مصادف! کارزار با شمشیر آسان‌تر از طلب روزی حلال است (کلینی، ۱۴۰۱، همان: ۱۶۱).

بر آشنایان علم فقه و حدیث روشن است که هیچ‌یک از این احادیث، دلالت بر جواز قیمت‌گذاری نمی‌کند. روایت نخست، ناظر به این است که حاکم اسلامی باید شرایط بازار و کسب و کار را به گونه‌ای فراهم سازد تا قیمت‌ها در بازار به صورت عادلانه تعیین شوند. روایت دوم و سوم نیز اصلاً دلالتی بر قیمت‌گذاری ندارند و چنانکه خواهد آمد، مشهور فقیهان شیعه و اهل سنت بر جواز تعیین قیمت به این روایات استناد نکرده‌اند.

۱-۲. دیدگاه فقیهان پیرامون موضوع قیمت‌گذاری

اکثر فقیهان با استناد به روایات گروه نخست، حتی در شرایط خاص چون احتکار، قائل به ممنوعیت قیمت‌گذاری از سوی حاکم اسلامی هستند و معتقدند صاحب کالا حتی محترک، به هر قیمتی که خواست می‌تواند کالای خود را بفروشد. در نقطه مقابل، فقیهانی هستند که با استناد به روایات گروه دوم، در شرایط خاصی قیمت‌گذاری از سوی حاکم اسلامی را با رعایت ضوابطی مجاز می‌شمارند. در این قسمت از مقاله، با رعایت اختصار به نقل برخی از افراد شاخص هریک از دو دیدگاه می‌پردازیم.

الف. دیدگاه مخالف قیمت‌گذاری

۱. شیخ طوسی در مبسوط می‌نویسد:

برای امام و نایب ایشان جایز نیست که بر کالاهای بازاریان قیمت‌گذاری کند، چه آن متاع آذوقه باشد یا غیر آذوقه و چه در زمان گرانی باشد یا ارزانی و خلافی در این مسئله نیست. از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که مردی خدمت ایشان رسیده، عرض کرد: بر فروشندگان طعام نرخ معینی قرار دهید. فرمودند: ما دعا - برای گشایش - می‌کنیم، سپس فرد دیگری آمد و عرض کرد: یا رسول الله! بر فروشندگان طعام نرخ مشخصی را مقرر فرمایید. فرمودند: این خداوند متعال است که نرخ کالا را بالا یا پایین

می‌برد و من امیدوارم خدای را ملاقات کنم در حالی که برای احدی نزد من مظلومه‌ای نباشد. پس با توجه به ثبوت چنین اثری از صاحب شریعت، اگر فردی از بازاریان در کم و زیاد نرخ کالا تخلف کرد، کسی حق اعتراض بر وی ندارد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۹۵).

۲. محقق حلّی در شرایع می‌نویسد:

بر محتکر تعیین نرخ نمی‌شود. بعضی گفته‌اند که بر وی تعیین نرخ می‌شود، ولی اظهر عدم تعیین نرخ است (محقق حلّی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۱).

۳. علامه حلّی در منتهی آورده است:

بر امام واجب است که محتکران را بر فروش اجبار کند و جایز نیست که آنها را بر نرخ معینی وادارشان سازد، بلکه آنان را در فروش به اراده خودشان رها می‌کند. این نظر اکثر علمای ماست و نظر شافعی نیز همین است. مفید و سلار گفته‌اند که برای امام جایز است که به نرخ متعارف شهر بر محتکران نرخ‌گذاری نماید و رأی مالک نیز همین است (علامه حلّی، بی‌تا: ۱۰۰۷).

ب. دیدگاه موافق قیمت‌گذاری

در نقطه مقابل، از همان ابتدای تاریخ فقهات، برخی از فقیهان در شرایط خاص و با رعایت ضوابطی قائل به قیمت‌گذاری از سوی حاکم اسلامی هستند. مانند:

۱. شیخ مفید در مقنعه می‌فرماید:

برای حاکم جایز است به آنگونه که مصلحت می‌بیند، بر کالاها نرخ‌گذاری کند. ولی طوری نباشد که باعث خسارت صاحبان کالا شود (مفید، ۱۴۰۱: ۹۶).

۲. صاحب مفتاح‌الکرامه از فقیهان زیادی نقل می‌کند:

در کتاب‌های وسیله، مختلف، ایضاح، دروس، لمعه، مختصر و تنقیح آمده است: در صورتی که محتکر در قیمت جنس اجحاف کند، نرخ معینی برای او تعیین می‌شود. زیرا تجاوز از حد متعارف، اضرار بر مشتری است و در شریعت اسلام اضرار نفی شده است (حسینی عاملی، ۱۴۲۶: ۱۰۹).

۳. شهید ثانی در مسالک بعد از حکم به اجبار محتکر بر فروش و عدم تعیین قیمت، می‌گوید:

مگر در صورت اجحاف مالک، حاکم می‌تواند قیمت‌گذاری کند، وگرنه فایده‌ای در اجبار به فروش نیست. زیرا در صورت اجحاف مالک، اگر بگوییم حاکم نمی‌تواند نرخ‌گذاری کند، برای محتکر جایز خواهد بود قیمتی روی کالای خود بگذارد که

مقدور مردم نیست و برای آنان زیانبار است و حال آنکه غرض از اجبار بر فروش، دفع ضرر از مردم است (عاملی: ۱۷۷).

۴. آیت الله خوئی رحمته الله علیه پس از فتوا به جایز نبودن قیمت گذاری می گوید:

آری؛ اگر فروشنده در قیمت گذاری اجحاف کند، چندان که گونه ای از احتکار شمرده شود، حاکم اسلامی از آن جلوگیری می کند تا مالک کالا به قیمت بازار یا قدری بیشتر که در حد توان خرید مردم باشد، آن کالا را بفروشد. مثلاً اگر بهای یک کیسه گندم صد فلس باشد و احتکارکننده آن را به دو دینار بفروشد، این کار نیز نوعی احتکار است، چنانکه پوشیده نیست (توحیدی، ۱۴۱۲: ۵۰۰).

۵. امام خمینی رحمته الله علیه می گوید:

قیمت گذاری ابتدائاً جایز نیست، ولی اگر فروشنده اجحاف کند، مجبور می شود که قیمت را کاهش دهد، وگرنه حاکم شرع او را ناچار می کند که کالا را به قیمت آن سرزمین یا به صلاحدید حاکم بفروشد. پس روایات دلالت کننده بر جایز نبودن قیمت گذاری، شامل این قبیل نمونه ها نمی شوند. زیرا در این حال، قیمت نگذاشتن به احتکار منجر می شود، همان گونه که اگر فروشنده برای فرار از فروش کالا، قیمت را چنان تعیین کند که هیچ کس نتواند آن را بخرد، بدون اشکال حاکم شرع حق تصمیم گیری دارد و آن روایات شامل این حالت نمی شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۴۰۶).

۶. شیخ صدوق در توحید، عبارتی دارند که می تواند جامع خیلی از دیدگاه ها باشد.

وی می نویسد:

آن ارزانی و گرانی که نتیجه فراوانی و کمیابی طبیعی و عادی کالا است، از جانب خداوند عزوجل می باشد و رضا به این پدیده و تسلیم او شدن، واجب است و آن گرانی و ارزانی که معلول کمیابی و فراوانی طبیعی کالا نیست و بدون خواست مردم این مشکل پدید می آید و مردم به آن دچار می شوند یا یک سودجو، از میان مردم تمامی آذوقه شهر را خریداری کرده و سبب گرانی شده است، این تغییر نرخ از قیمت گذاران و تجاوزگران محترک سودجوست که با خریداری طعام و آذوقه شهر، موجب گرفتاری مردم شده اند، همانگونه که حکیم بن خرام انجام می داد؛ به طوری که همه آذوقه وارداتی مدینه را می خریده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر وی عبور کرده و فرمودند: یا حکیم بن خرام، از احتکار برحذر باش (صدوق، ۱۳۹۸: ۳۸۹).

۱-۳. جمع‌بندی دیدگاه فقیهان و روایات پیرامون موضوع قیمت‌گذاری

- با توجه به مضمون مجموع روایات و سایر ادله فقیهان پیرامون موضوع قیمت‌گذاری، به نتایج زیر می‌توان دست یافت و متناسب با شرایط اقتصادی جامعه به‌کار گرفت:
۱. در شرایط عادی و طبیعی، کسی حق قیمت‌گذاری و تعیین نرخ برای کالاها و خدمات ندارد و قیمت در بازار و با اختیار طرفین قرارداد تعیین می‌شود.
 ۲. در شرایط غیرعادی مانند تبانی و احتکار، حاکم اسلامی مسئولیت دارد با اتخاذ تدابیر لازم از جمله وادار کردن محتکر بر فروش، وضعیت اقتصادی را به شرایط طبیعی برگرداند و با وجود چنین موقعیتی، نوبت به قیمت‌گذاری نمی‌رسد.
 ۳. اگر محتکران و انحصارگران سوء استفاده کنند و قیمتی تعیین کنند که کسی قدرت بر خرید نداشته باشد و آن قیمت، تبدیل به وسیله‌ای برای احتکار شود و از این جهت جامعه متضرر گردد، برای جلوگیری از تبانی و احتکار، حاکم اسلامی حق قیمت‌گذاری دارد.
 ۴. در هر صورت، قیمت تعیین شده باید متناسب با قیمت بازار باشد و موجب ضرر و زیان به فروشنده و خریدار نشود.

۲. تعیین نرخ سود بانکی با توجه به موازین فقه اسلامی

در بانکداری بدون ربای ایران، از یک سو بخش زیادی از تسهیلات (بیش از ۸۰ درصد)، در قالب عقود مبادله‌ای واگذار می‌شود و در این عقود، نرخ سود بانکی زمان قرارداد تعیین می‌شود. از سوی دیگر، تعیین نرخ سود در عقود مبادله‌ای به‌صورت غیرمستقیم روی نرخ سود علی‌الحساب و قطعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. حال اگر این تعیین نرخ سود، خارج از مکانیزم عرضه و تقاضای بازار و توسط حاکم اسلامی و مقامات مربوطه باشد، نوعی قیمت‌گذاری محسوب می‌شود و از جهت فقهی مشمول همان قواعد و ضوابط قیمت‌گذاری خواهد بود. بنابراین در شرایط عادی و طبیعی اقتصاد کسی حق تعیین نرخ برای بانکها و مؤسسه‌های اعتباری دیگر را ندارد. اگر شرایط غیرعادی مانند انحصار منابع پولی یا تبانی بانکها و مؤسسه‌های اعتباری دیگر، برای بالا بردن سود پیش بیاید، مسئولان امر می‌توانند با رعایت مصالح کل جامعه از جمله منافع سپرده‌گذاران و متقاضیان تسهیلات و با رعایت ارزش

خدمات بانک، متناسب با قیمت بازار برای سپرده‌ها، تسهیلات و سایر خدمات بانکی قیمت تعیین کنند. حال این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به شرایط اقتصادی کنونی ایران - به‌ویژه در بخش پول و بانکداری - دولت یا سایر نهادهای حکومتی حق قیمت‌گذاری نسبت به نرخ‌های سود بانکی را دارند؟ و اگر دارند، تحت کدام عنوان فقهی و با چه ضوابطی است؟

۱-۲. تعیین نرخ سود بانکی از باب ضرورت

ممکن است ادعا شود، شرایط اقتصادی ایران به‌ویژه در بخش پول و سرمایه، هنوز به آن حد نرسیده است که تمام متغیرهای اساسی به بازار سپرده شود و هنوز زمینه برای انواع تبانی و سوء استفاده از فرصت‌های به‌ظاهر قانونی برای انحراف بازار از قیمت‌های تعادلی وجود دارد. بنابراین، همچنان دولت یا بانک مرکزی باید به نمایندگی از ناحیه دولت، نرخ‌های سود بانکی را تعیین کند.

در پاسخ به این دیدگاه می‌توان گفت: در اوایل انقلاب و در شرایط جنگ ممکن بود این نظریه قابل قبول باشد، ولی امروزه با گسترش انواع بانک‌های خصوصی و مؤسسه‌های مالی و اعتباری از یک سو و گسترش بازار سرمایه از سوی دیگر، شرایط اقتصادی کشور چنان تغییر کرده است که رهبری، دولت، مجلس و همه نهادها و سازمان‌های مرتبط، به فکر خصوصی‌سازی و آزادسازی افتاده‌اند و با انواع راه‌کارها درصدد عملی کردن آن هستند و روشن است که یکی از مقدمات ضروری آزادسازی و خصوصی‌سازی، کم کردن دخالت دولت به‌ویژه در عرصه قیمت‌گذاری است.

۲-۲. تعیین نرخ سود بانکی مطابق قانون عملیات بانکی بدون ربا

برخی معتقدند بررسی مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا در بخش رابطه حقوقی سپرده‌گذار با بانک و اختیارات بانک نشان می‌دهد بانک مرکزی به نمایندگی از طرف دولت، می‌تواند نرخ سود بانکی را تعیین کند. برای بررسی این دیدگاه، نگاهی به مواد مربوطه خواهیم داشت. مواد ۳ تا ۶ قانون مزبور، رابطه بانک با سپرده‌گذار را تعیین می‌کند. در این مواد آمده است:

ماده ۳. بانک‌ها می‌توانند تحت هریک از عناوین ذیل، به قبول سپرده مبادرت ورزند:

الف. سپرده‌های قرض‌الحسنه؛

۱. جاری؛

۲. پس‌انداز.

ب. سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار.

تبصره: سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به‌کار گرفتن آنها وکیل است، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله استفاده می‌شود.

ماده ۴. بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) هستند و نیز می‌توانند بازپرداخت اصل سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و بیمه کنند.

ماده ۵. منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده ۳ این قانون، براساس قرارداد منعقد، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک، به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به‌کار گرفته شده در این عملیات، تقسیم خواهد شد.

ماده ۶. بانک‌ها می‌توانند، به‌منظور جذب و تجهیز سپرده‌ها، با اتخاذ روش‌های تشویقی، از امتیازات ذیل به سپرده‌گذاران اعطا نمایند:

الف. اعطای جوایز غیرثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه؛

ب. تخفیف و یا معافیت سپرده‌گذاران از پرداخت کارمزد و یا حق‌الوکاله؛

ج. دادن حق تقدم به سپرده‌گذاران، برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی در موارد مذکور در فصل سوم.

چنانکه مشاهده می‌شود، در سپرده‌های جاری و پس‌انداز، بانک مالک منابع می‌شود و هر تصمیمی نسبت به کیفیت اداره و نرخ تسهیلات پرداختی از آن محل بگیرد، به مقتضای حق مالکیت آزاد است؛ کما اینکه در بانک‌های دولتی به تبع مالکیت، دولت در این بانک‌ها می‌تواند نسبت به کیفیت اداره و نرخ تسهیلات پرداختی از آن محل تصمیم بگیرد، ولی نسبت به سپرده‌های سرمایه‌گذاری که بانک در به‌کار گرفتن آنها وکیل است (اعم از اینکه بانک دولتی باشد یا خصوصی)، بانک باید به مقتضای قرارداد وکالت، منافع و مصالح سپرده‌گذاران را ملاحظه کند و به‌طور قطع، حق ندارد به ضرر آنها تصمیم بگیرد و چنان نرخ‌گذاری کند که سال به سال ارزش و قدرت خرید منابع سپرده‌گذاران کاسته شود.

از طرف دیگر مطابق ماده ۲۰، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حُسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور می‌تواند طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، با استفاده از برخی ابزارها که در ذیل آمده است، در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند:

۱. تعیین حداقل و یا حداکثر نسبت سهم سود بانک‌ها در عملیات مشارکت و مضاربه: این نسبت‌ها ممکن است در هریک از رشته‌های گوناگون، متفاوت باشد.
۲. تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و مشارکت در حدود سیاست‌های اقتصادی مصوب و تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت: حداقل نرخ سود احتمالی ممکن است در هریک از رشته‌های گوناگون، متفاوت باشد.
۳. تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانک‌ها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک، در تناسب با قیمت تمام شده مورد معامله: این نسبت‌ها ممکن است در موارد گوناگون، متفاوت باشد.
۴. تعیین انواع و میزان حداقل و حداکثر کارمزد خدمات بانکی (مشروط بر اینکه بیش از هزینه کار انجام شده نباشد) و حق‌الوکاله به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری، که توسط بانک‌ها دریافت می‌شود.
۵. تعیین نوع، میزان، حداقل و حداکثر امتیازات موضوع ماده ۶ و تعیین ضوابط تبلیغات برای بانک‌ها در این موارد.
۶. تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت، مضاربه، سرمایه‌گذاری، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، نسبه، سلف، مزارعه، مساقات، جعاله و قرض‌الحسنه برای بانک‌ها و یا هریک از آنها در هریک از موارد و رشته‌های گوناگون و نیز تعیین حداکثر تسهیلات اعطایی به هر مشتری.

مطابق این ماده و ابزارهای مطرح در آن، گرچه به بانک مرکزی اختیار تعیین سهم سود در عقود مشارکتی و نرخ سود در عقود مبادله‌ای داده شده است، ولی بر هر آشنای به مباحث فقهی و حقوقی روشن است که این اختیار در چارچوب رابطه حقوقی سپرده‌ها و ماهیت بانک تعریف می‌شود. بنابراین اگر بانک دولتی و نوع سپرده، جاری یا پس‌انداز باشد، دولت به مقتضای مالکیت، هر تصمیمی می‌تواند بگیرد ولی اگر بانک خصوصی باشد، فقط در چارچوب سیاست‌های پولی می‌تواند

اقدام کند و اگر سپرده‌ها از نوع سپرده‌های سرمایه‌گذاری باشد، اعم از اینکه بانک خصوصی باشد یا دولتی، تعیین نرخ‌ها باید با رعایت ضوابط قرارداد وکالت و با رعایت منافع و مصالح سپرده‌گذاران باشد که متأسفانه مطابق آمارهایی که ارائه خواهد شد، این نکته رعایت نشده است.

۲-۳. تعیین نرخ سود بانکی از باب مصلحت

برخی معتقدند، تعیین نرخ سود بانکی توسط دولت و شورای پول و اعتبار موجب تثبیت وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی می‌شود و در مجموع به مصلحت اقتصاد است و از باب مصلحت نظام و رعایت مصالح عموم مردم، نیاز به چنین تصمیمی هست.

پاسخ به این ادعا را به بررسی اقتصادی تعیین سود بانکی واگذار می‌کنیم. به این بیان که اگر نظریه‌ها و تجربه بانکداری نشان دهد که تعیین دستوری نرخ سود بانکی روی متغیرهای اساسی تأثیر مثبت دارد، ادعای مذکور را می‌پذیریم.

۳. تعیین نرخ سود بانکی با توجه به متغیرهای اقتصادی

همان‌طور که گذشت، هر نوع تغییر در نرخ سود بانکی تأثیر قابل توجهی بر متغیرهای اساسی اقتصادی می‌گذارد که بدون ملاحظه همه آنها به صورت مجموعی نمی‌توان تصمیم گرفت. در این بخش از مقاله، نگاه به این آثار و پی‌آمدها خواهیم داشت.

۳-۱. تأثیر تغییرات سود بانکی بر سپرده‌ها

گفته شد که سپرده‌های بانکی به سه گروه سپرده‌های جاری، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تقسیم می‌شوند. هدف اصلی صاحبان سپرده جاری از سپرده‌گذاری در بانک، تسهیل مبادلات پولی و استفاده از بانک به صورت صندوق و حسابدار سریع و دقیق است و انگیزه اصلی صاحبان سپرده پس‌انداز، حفظ و نگهداری وجوه مازاد و برنامه‌ریزی برای هزینه‌های آینده و احتیاطی است. در اکثر بانک‌های دنیا به سپرده‌های

جاری، سود یا بهره‌ای پرداخت نمی‌شود و برای صاحبان پس‌انداز نیز در حد پایین، بهره یا جایزه می‌پردازند. در نتیجه، تغییرات نرخ سود یا بهره بانکی بر سپرده‌های جاری هیچ تأثیری ندارد و بر سپرده‌های پس‌انداز نیز تأثیر چندانی نمی‌گذارد. ولی سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری به قصد کسب درآمد و استفاده از سود و بهره بانکی سپرده‌گذاری می‌کنند. بنابراین، سپرده‌گذاران نرخ بازده بانک را با سایر نرخ‌های بازده موجود در اقتصاد مقایسه می‌کنند و سپس تصمیم می‌گیرند.

امروزه عرصه‌های گوناگونی برای سرمایه‌گذاری صاحبان سرمایه‌های نقدی وجود دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی، خرید و فروش سهام شرکت‌ها، ورود به شرکت‌های سرمایه‌گذاری، خرید و فروش زمین، ساختمان، طلا، ارز، خرید و فروش اختکاری کالاهای ضروری، خرید کالاهای بادوام، ورود در بازار غیررسمی وام و تنزیل و دست‌آختر، خارج کردن سرمایه‌های نقدی از کشور و سپرده‌گذاری در بانک‌های خارجی از جمله آنهاست.

اگر سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها با احتساب نرخ تورم، سود قابل قبولی برای صاحبان سپرده باشد، اکثر افراد ریسک‌گریز و متعارف جامعه به سمت بانک‌ها می‌آیند و فقط افراد ریسک‌پذیر سراغ شرکت‌های سهامی و سرمایه‌گذاری مستقیم می‌روند و زمینه فعالیت‌های اختکاری و غیرمولد و غیررسمی باقی نمی‌ماند. ولی اگر نرخ سود بانک‌ها پایین باشد - به‌ویژه اگر کمتر از نرخ تورم باشد - بخش زیادی از سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری، به تناسب سرمایه و سلیقه‌شان، عرصه‌های دیگری را می‌جویند. جدول شماره ۱، تغییرات سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را طی ده سال گذشته در نظام بانکی ایران نشان می‌دهد. بررسی دو ستون آخر نشان می‌دهد، به همان اندازه که نرخ سود واقعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری بهبود یافته است، سهم این سپرده‌ها در مقایسه با کل سپرده‌ها نیز افزایش یافته است و به‌طور متوسط، رشد سالانه ۳۲ درصدی داشته است. در حالی که رشد سپرده‌های جاری و پس‌انداز ۲۲ درصد بوده است (معاونت امور بانکی و وزارت اقتصاد، ۱۳۸۴: ۱۶).

جدول شماره (۱): سهم سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری مدت‌دار از کل سپرده‌ها (میلیارد ریال - درصد)

سال	سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار (۱)	کل سپرده‌ها (۲)	نرخ سود سپرده‌های بلندمدت		نسبت (۱) به (۲)
			نرخ تورم	سود واقعی	
۱۳۷۴	۲۸۴۱۶/۹	۷۴۳۹۹/۲	۱۸/۵	۴۹/۴	۳۸/۲
۱۳۷۵	۳۵۸۴۷/۱	۱۰۳۳۳۶/۵	۱۸/۵	۲۳/۲	۳۴/۷
۱۳۷۶	۴۷۱۰۳/۸	۱۱۸۹۰۶/۱	۱۸/۵	۱۷/۳	۳۹/۶
۱۳۷۷	۶۲۴۲۹/۱	۱۴۱۶۲۸/۴	۱۸/۵	۱۸/۱	۴۴/۱
۱۳۷۸	۷۹۵۳۲	۱۷۰۵۶۹/۹	۱۸/۵	۲۰/۱	۴۶/۶
۱۳۷۹	۱۰۳۳۶۳/۶	۲۲۳۹۵۲/۴	۱۸/۵	۱۲/۶	۴۶/۲
۱۳۸۰	۱۴۱۰۶۶/۵	۲۹۱۷۶۸/۶	۱۷	۱۱/۴	۴۸/۳
۱۳۸۱	۱۸۵۸۶۲/۴	۳۸۲۷۴۳/۹	۱۷	۱۵/۸	۴۸/۶
۱۳۸۲	۲۵۱۷۳۸/۲	۴۸۷۸۶۳/۹	۱۷	۱۵/۶	۵۱/۶
۱۳۸۳	۳۰۳۶۸۲/۸	۵۶۸۸۶۱/۶	۱۷	۱۵/۲	۵۳/۴

مأخذ: استخراج شده از گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی سال‌های مختلف

نتیجه این می‌شود که حدود نیمی از سپرده‌ها که به حساب‌های جاری و پس‌انداز مربوط است، در همه بانک‌ها به‌ویژه بانکداری ایران که سودی به آنها پرداخت نمی‌شود، متأثر از تغییرات نرخ سود بانکی (سود سپرده‌ها) نخواهد بود. ولی نیم دیگر که به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار مربوط می‌شود، متأثر از نرخ سود بانکی است و سپرده‌گذار در مقابل تغییرات سود واکنش نشان می‌دهد.

۲-۳. تأثیر تغییرات سود بانکی بر سرمایه‌گذاری

یکی از مباحث مهم در علم اقتصاد، تأثیر نرخ بهره و سود بانکی بر تقاضای سرمایه‌گذاری است. اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک معتقدند: سرمایه‌گذاری، تابع معکوس نرخ بهره است. هرچه نرخ بهره کاهش یابد، در حقیقت هزینه سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود و در نتیجه، سرمایه‌گذاری افزایش خواهد یافت (تفضلی، ۱۳۶۶: ۲۵۸-۲۶۲). در مقابل، کینز معتقد است که سرمایه‌گذاری فقط تابع نرخ بهره نیست؛ زیرا اگر سرمایه‌گذاران پیش‌بینی کنند که سود فراوانی به‌دست خواهند آورد، ممکن است حتی با نرخ بهره بالا نیز به اخذ وام و سرمایه‌گذاری اقدام کنند، چنان‌که اگر

پیش‌بینی سود نداشته باشند، حتی در نرخ بهره‌های خیلی پایین هم به سرمایه‌گذاری اقدام نمی‌کنند. وی به همین دلیل، سرمایه‌گذاری را به پیش‌بینی‌های سودآوری مربوط می‌داند (گلریز و ماجدی، ۱۳۶۷: ۲۰۸-۲۰۹).

نتایج تحقیقات تجربی سال‌های اخیر که بر روی سرمایه‌گذاری انجام گرفته است نیز نشان می‌دهد که تغییرات نرخ بهره گاهی بر روی تقاضای سرمایه‌گذاری بی‌تأثیر و گاهی مؤثر است. به این معنا که بنگاه اقتصادی، به نرخ بهره و تغییرات آن، به صورت یکی از اقلام هزینه نگاه می‌کند و تصمیم‌های خود را برای کاهش یا افزایش سرمایه‌گذاری نه براساس بهره، بلکه براساس سود انتظاری اتخاذ می‌کند. اگر بنگاه اقتصادی بتواند تغییرات نرخ بهره را که در تابع هزینه بنگاه منعکس می‌شود، از طریق افزایش قیمت محصول به مصرف‌کننده منتقل کند و سود خود را افزایش دهد یا در سطح پیشین حفظ کند، افزایش نرخ بهره تأثیری روی سرمایه‌گذاری نخواهد داشت. ولی اگر اوضاع اقتصادی چنین اجازه‌ای را به وی ندهد و افزایش بهره و هزینه باعث کاهش سود شود، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. به همین جهت، در وضعیت رونق اقتصادی با وجود اینکه نرخ‌های بهره بالاست، سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و برعکس، در دوره‌های رکود، با اینکه نرخ‌های بهره در پایین‌ترین سطح قرار دارند، سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد. برای مثال، در سال‌های آخر دهه هفتاد، با اینکه نرخ‌های بهره به بالاترین حد خود در تاریخ امریکا رسیده بود، اثر خاصی بر سرمایه‌گذاری نگذاشت (توتونچیان، ۱۳۷۵: ۳۷۲ و ۳۷۳) و در مورد ایران، به‌رغم ثابت بودن نرخ بهره در طول سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۹ و پایین بودن آن از نرخ تورم (نرخ بهره واقعی منفی) نظام بانکی با منابع مازاد قابل توجهی مواجه بوده است (کمیحانی، ۱۳۷۳: ۲۴).

نتیجه این می‌شود که مطالعات نظری و تجربی، رابطه ثابتی بین سرمایه‌گذاری و تغییرات نرخ بهره و سود بانکی، برای همه حالت‌ها ارائه نمی‌کند. در وضعیت رونق، سرمایه‌گذار، توان انتقال تغییرات نرخ بهره و سود بانکی به قیمت محصول را دارد. افزایش نرخ بهره تأثیری در سرمایه‌گذاری نخواهد داشت و در وضعیت رکودی و عادی اقتصادی که چنین توانی را ندارد، افزایش نرخ بهره باعث کاهش سود و

سرمایه‌گذاری می‌شود. افزون بر این، باید سهم سود بانکی از مجموع هزینه تولید کالاها و خدمات را نیز به دست آورد و بر این اساس، مطالعه کرد که هر واحد کاهش یا افزایش در نرخ سود بانکی چه تأثیری روی قیمت تمام شده محصولات می‌گذارد.

۳-۳. تأثیر تغییرات سود بانکی بر تورم

در مطالعات دقیق نظری در تبیین رابطه تغییرات نرخ بهره و سود بانکی با تورم، بین تورم ناشی از تقاضا و تورم ناشی از افزایش هزینه فرق می‌گذارند. زمانی که اقتصاد در سطح بالایی از اشتغال قرار دارد، افزایش تقاضای کل، به‌طور عام باعث بروز فشار تورمی می‌شود که در اصطلاح به آن تورم تقاضا یا تورم ناشی از تقاضا می‌گویند. در این وضعیت، هر نوع کاهش نرخ بهره بانکی باعث افزایش عرضه پول و افزایش تقاضای کل در جامعه می‌شود و سطح عمومی قیمت‌ها را بالاتر خواهد برد. به این مناسبت در چنین وضعی سیاست‌گذاران بانک مرکزی با اعمال سیاست‌های انقباضی و افزایش نرخ بهره، زمینه‌های کاهش عرضه پول و کاهش نرخ تورم را فراهم می‌آورند (گلیهی، بی تا: ۳۸۸-۳۹۳)، ولی اگر منشأ تورم، هزینه تولید باشد که خود علل گوناگونی می‌تواند داشته باشد، مانند شرایط اشتغال ناقص به جهت انحصاری یا شبه انحصاری بودن بنگاه‌های تولیدی یا سهم بالای سرمایه در هزینه تولید بنگاه‌ها، در این صورت مسئله متفاوت از وضعیت تورم تقاضا خواهد بود، به‌ویژه اگر تورم از سهم بالای سرمایه در هزینه تولید ناشی باشد. روشن است که در چنین وضعی هر افزایش در نرخ بهره، هزینه استفاده از تسهیلات بانکی را برای بنگاه‌ها و قیمت تمام شده محصول را افزایش می‌دهد و در نقطه مقابل، هر نوع سیاست انبساط پولی باعث کاهش نرخ بهره و هزینه تولید و قیمت تمام شده محصول و سرانجام، سبب کاهش نرخ تورم خواهد بود. به همین سبب، اقتصاددانان سفارش می‌کنند پیش از تصمیم به سیاست پولی برای مبارزه با تورم، باید نوع تورم را تشخیص داد.

به نظر می‌رسد با توجه به سپری شدن فشار تقاضا در اقتصاد ایران، لازم است بر ساختار تولید و سهم عوامل تولید به‌ویژه سرمایه در هزینه تولید توجه شود.

۴. راه کار رسیدن به نرخ‌های سود بانکی تعادلی

با روشن شدن مبانی فقهی و حقوقی تعیین نرخ سود بانکی و با توجه به تأثیر تغییرات نرخ سود بانکی بر متغیرهای اساسی مانند حجم سپرده‌های بانکی، سرمایه‌گذاری و تورم و اینکه این تأثیرها همیشه هم‌سو و هم‌جهت نیست و ممکن است متقابل باشد، این پرسش مطرح می‌شود: نرخ تعادلی سود بانکی که از نظر فقهی مشروع و از نظر اقتصادی بتواند سطح پس‌انداز، سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری و تورم را در بهترین وضعیت ممکن قرار دهد، کدام است و به چه روشی می‌توان به آن رسید و چگونه می‌توان از آن محافظت کرد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، دو راه حل به صورت گزینه اول که فرض بهترین وضعیت است و گزینه دوم که فرض عدم وجود برخی شرایط است، پیشنهاد می‌شود.

۴-۱. آزادسازی نرخ‌های سود بانکی برای رسیدن به نرخ‌های تعادلی

همان‌طور که گذشت، از دیدگاه آموزه‌های اسلام، بهترین گزینه برای تعیین قیمت، تبعیت از قیمت بازار و عرضه و تقاضا است. اکثر اقتصاددانان نیز معتقدند که اگر وضعیت رقابت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی فراهم باشد و زمینه برای انحصار، احتکار و تباری نباشد، بهترین گزینه برای رسیدن به نرخ‌های تعادلی، آزاد کردن نرخ‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است تا در اثر فعالیت عوامل عرضه و تقاضا، قیمت‌ها در بهترین سطح به تعادل برسد. در بخش بانکداری نیز اگر وضعیت رقابت فراهم باشد، بهترین گزینه، آزاد گذاشتن بانک‌ها در تعیین سود سپرده‌ها و سود تسهیلات است. ولی در موقعیت کنونی که اولاً: بخش مهم فعالیت‌های بانکی در اختیار بانک‌های دولتی است و دولت براساس مصالح خاصی تصمیم می‌گیرد و در مواردی که مصحلت می‌بیند انواع تسهیلات تکلیفی با نرخ‌های معین را بر عهده بانک‌ها می‌گذارد، زمینه کافی برای رقابت هنوز وجود ندارد. ثانیاً: پیشینه صنعت بانکداری ایران نشان می‌دهد که چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، حتی در بانک‌های خصوصی، دامنه سود و بهره بانکی به وسیله بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار تعیین شده است. در نتیجه، آزادسازی دفعی بانک‌ها، سبب بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

۲-۴. هدایت نرخ‌ها به سمت سودهای تعادلی

حال که تا تحقق وضعیت رقابت نمی‌توان از طریق آزادسازی نرخ‌ها به نرخ‌های تعادلی رسید و به‌ناچار باید نرخ‌ها به‌صورت دستوری تعیین شود، لازم است با راه‌کارهایی، به تدریج به سمت نرخ‌های تعادلی حرکت و در حد امکان، نزدیک‌ترین نرخ به نرخ تعادلی را تعیین کرد؛ به‌طوری که وقتی موقعیت برای آزادسازی نرخ‌ها فراهم شود، نرخ‌ها با کمترین نوسان در نرخ تعادلی واقعی مستقر شوند.

برای این منظور، پیشنهاد می‌شود در گام نخست نرخ‌های بانکی ایران اعم از نرخ‌های سپرده‌ها، نرخ‌های تسهیلات و حاشیه سود بانکی (spread) به نرخ‌های بین‌المللی به‌ویژه نرخ‌های کشورهای رقابتی دارند و احتمال نقل و انتقال سرمایه از ایران به آن کشورها وجود دارد، نزدیک شود. برای رسیدن به این هدف، نیازمند مقایسه نرخ‌های سود بانکی ایران با سایر کشورها هستیم تا داوری درستی برای پیشنهاد کاهش یا افزایش داشته باشیم و چون امکان مقایسه با همه کشورهای نیست، آمار و اطلاعات پنج کشور آمریکا، فرانسه، کره، چین و بحرین به‌عنوان پنج کشور شاخص، انتخاب و آمارهای ایران با آنها مقایسه شده است.

۳-۴. مقایسه نرخ سود سپرده‌های بانکی ایران با کشورهای شاخص

از آنجا که نرخ تورم کشورها در سال‌های گوناگون، متفاوت است، مقایسه نرخ‌های بهره و سود اسمی سپرده‌ها ممکن نیست. بر این اساس لازم است مقایسه میان نرخ‌های واقعی (بعد از کسر نرخ تورم) صورت گیرد. مطالعه آمارهای رسمی نشان می‌دهد نظام بانکی ایران برای سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در فاصله زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۲ (پیش از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا)، به‌طور متوسط به ترتیب ۷/۰۷ و ۸/۷۳ درصد بهره اسمی پرداخته است و در این سال‌ها متوسط نرخ تورم ۱۴/۷۷ درصد بوده است؛ یعنی در حقیقت، نظام بانکی در این فاصله زمانی به ترتیب برای سپرده‌های پیش‌گفته، ۷/۷ و ۶/۰۴ بهره واقعی منفی (ضرر) پرداخته است (موسویان، ۱۳۸۳: ۱۹۸). بعد از اجرای بانکداری بدون ربا، در فاصله زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹، نظام بانکی برای سپرده‌های کوتاه‌مدت به‌طور متوسط ۷/۱۶ درصد و برای سپرده‌های بلندمدت ۱۴/۲۶ درصد سود اسمی پرداخته است، در حالی که در این سال‌ها نرخ تورم به‌طور

متوسط ۲۱/۷۶ درصد و در واقع در این فاصله زمانی، نرخ سود واقعی سپرده‌های کوتاه‌مدت ۱۴/۶- و سپرده‌های بلندمدت ۷/۵- درصد بوده است (همان: ۱۹۹).
 با کنترل و کاهش تدریجی تورم از سال ۱۳۷۹ به بعد، سود پرداختی واقعی به سپرده‌گذاران تا حدودی بهتر شد. به طوری که در جدول شماره ۲ آمده است، متوسط سود منفی برای سپرده‌های بلندمدت به سود مثبت تبدیل شد.

جدول شماره (۲): نرخ‌های سود اسمی و واقعی سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت ایران (درصد)

سال	نرخ سود اسمی کوتاه‌مدت	نرخ سود اسمی بلندمدت	نرخ تورم	نرخ سود واقعی کوتاه‌مدت	نرخ سود واقعی بلندمدت
۱۳۷۹	۸	۱۸/۵	۱۲/۶	-۴/۶	۵/۹
۱۳۸۰	۷	۱۷	۱۱/۴	-۴/۴	۵/۶
۱۳۸۱	۷	۱۷	۱۵/۸	-۸/۸	۱/۲
۱۳۸۲	۷	۱۷	۱۵/۶	-۸/۶	۱/۴
۱۳۸۳	۷	۱۷	۱۵/۲	-۷/۸	۱/۸
میانگین	۷/۲	۱۷/۳	۱۴/۱۲	-۶/۹۲	۳/۱۸

مأخذ: استخراج شده از گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی در سال‌های مختلف

جدول شماره (۳): نرخ‌های بهره اسمی و واقعی سپرده‌های بانکی در کشورهای شاخص (درصد)

کشور	سال ۱۹۹۹		۲۰۰۰		۲۰۰۱		۲۰۰۲	
	بهره اسمی	تورم	بهره اسمی	تورم	بهره اسمی	تورم	بهره اسمی	تورم
آمریکا	۵/۳۳	۲/۳	۳/۰۳	۶/۵	۳/۱	۳/۴	۳/۷	۱/۵
فرانسه	۲/۶	۰/۵	۲/۲	۲/۶	۰/۹	۱/۷	۳	۱/۹
کره	۷/۹	۰/۸	۷/۱	۷/۹	۵/۸	۲/۳	۴	۲/۸
چین	۲/۳	-۱/۴	۳/۷	۲/۳	۲/۳	۰/۲	۱/۸	۰/۸
بحرین	۴/۸	-۱/۴	۶/۲	۵/۸	۲/۷	-۰/۷	۲/۵	۱/۲
میانگین بهره واقعی	۴/۴۵		۳/۶۲		۱/۶۶		۱/۲۶	

مأخذ: International Financial Statistics

اگر متوسط نرخ بهره واقعی پنج کشور در چهار سال مذکور را به دست آوریم، به رقم ۲/۷۵ درصد می‌رسیم. مقایسه نرخ سود واقعی سپرده‌های بلندمدت پنج‌ساله بانک‌های ایران با نرخ بهره واقعی پنج کشور شاخص، نشان می‌دهد که نرخ سود سپرده‌های پنج‌ساله بانک‌های ایران گرچه تا سال ۱۳۷۹ به طور متوسط منفی بوده است، از آن سال به بعد رشد خوبی کرده و اکنون به نرخ متوسط پنج کشور شاخص رسیده است و حدود ۰/۵ درصد هم از آن پیش افتاده است. به طور قطع، همین بهبود باعث رشد سریع سپرده‌های مدت‌دار در پنج سال گذشته از رقم ۱۰۳۹۰۴ میلیارد ریال به ۳۱۷۵۳۰ میلیارد ریال شده است که نشان‌دهنده رشد بیش از ۳۰۰ درصدی در پنج سال و رشد متوسط سالانه ۳۲ درصدی است (معاونت امور بانکی وزارت اقتصاد، همان). البته سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت چنان‌که گذشت، همچنان با فاصله بسیاری، منفی است که باید به آنها توجه شود.

با توجه به مقایسه نرخ سود سپرده‌های بلندمدت نظام بانکی ایران در پنج سال گذشته با متوسط نرخ بهره بانک‌های شاخص، به نظر می‌رسد وضعیت فعلی نرخ‌های سپرده‌های بلندمدت وضعیت مناسبی است و هر نوع کاهش در آنها (با فرض ثابت ماندن نرخ تورم حدود ۱۵ درصد یا افزایش آن) سبب نگرانی سپرده‌گذاران و توقف رشد یا کاهش سپرده‌های مدت‌دار خواهد شد. اگر سیاست دولت در تثبیت قیمت‌ها موفق شود و نرخ تورم برای سال‌های بعد از آن کاهش یابد، می‌توان به اندازه کاهش نرخ تورم، از نرخ سود اسمی سپرده‌های بلندمدت کاست. ولی اگر نتیجه به هر دلیلی منتهی به افزایش نرخ تورم شود که در عمل چنین شده است، باید برای حفظ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت حقوق شرعی و قانونی آنها، نرخ سود اسمی سپرده‌ها را به اندازه افزایش نرخ تورم افزایش داد. برای مثال، حال که نرخ تورم برای سال ۱۳۸۶ حدود ۱۸/۶ و برای سال ۱۳۸۷ حدود ۲۰ درصد برآورد می‌شود، نرخ سود سپرده‌های یک‌ساله باید بالای ۲۲ درصد باشد تا حداقل ۲ درصد سود واقعی برای سپرده‌گذار باقی بماند.

۳-۴. مقایسه نرخ سود تسهیلات بانکی ایران با چند کشور شاخص

برای داوری درباره کاهش یا افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی در ایران نیز مناسب است بین آنها و نرخ بهره تسهیلات کشورهای شاخص مقایسه کنیم. قبل از

مقایسه نرخ‌ها، تذکر این نکته لازم است که شورای پول و اعتبار در ایران تا سال ۱۳۸۴، برای بخش‌های گوناگون اقتصادی، نرخ‌های سود متفاوتی تعیین می‌کرد، در حالی که در اکثر کشورها نرخ بهره بانکی برای بخش‌های گوناگون یکسان است. در نتیجه برای داوری درست، ناچار به مقایسه نرخ هریک از بخش‌های ایران با نرخ کشورهای شاخص هستیم.

جدول شماره (۴): نرخ سود تسهیلات بانکی در بخش‌های گوناگون اقتصادی (درصد)

صادرات	بازرگانی و خدمات	مسکن	صنعت و معدن	کشاورزی	نرخ تورم	سال
۱۸	۲۲-۲۵	۱۵-۱۶	۱۷-۱۹	۱۳-۱۶	۱۲/۶	۱۳۷۹
۱۸	حداقل ۲۳	۱۵-۱۶	۱۶-۱۸	۱۴-۱۵	۱۱/۴	۱۳۸۰
۱۷	حداقل ۲۳	۱۴-۱۵	۱۵-۱۷	۱۳-۱۴	۱۵/۸	۱۳۸۱
۱۵	حداقل ۲۱	۱۵	۱۶	۱۳/۵	۱۵/۶	۱۳۸۲
۱۴	حداقل ۲۱	۱۵	۱۵	۱۳/۵	۱۵/۲	۱۳۸۳
۱۶/۴	۲۲/۱	۱۵/۱	۱۶/۴	۱۳/۷	۱۴/۱۲	میانگین
۲/۳۶	۸/۰۶	۱/۰۶	۲/۳۶	-۰/۳۴	---	متوسط سود واقعی

مأخذ: استخراج شده از گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی برای سال‌های مختلف

بررسی ارقام سطر آخر جدول شماره ۴ که نرخ سود متوسط واقعی بخش‌های گوناگون اقتصادی طی پنج سال منتهی به سال ۱۳۸۳ را نشان می‌دهد، گویای آن است که نرخ سود تسهیلات بخش کشاورزی در بیشتر سال‌ها و همین‌طور متوسط پنج سال آن، زیر نرخ تورم بوده است و این بدان معناست که نظام بانکی، پیوسته به این بخش، یارانه داده است. بعد از بخش کشاورزی، بخش مسکن با متوسط ۱/۰۶ سود متوسط واقعی، ارزان‌ترین تسهیلات را داشته است. سپس بخش صنعت و معدن و صادرات، نرخ سود معتدلی را پرداخته است و بخش خدمات و بازرگانی با ۸/۰۶ درصد گران‌ترین تسهیلات بانکی را به خود اختصاص داده است. البته از سال ۱۳۸۵ نرخ‌های سود بخش‌های گوناگون، یکسان و برای همه بخش‌ها در بانک‌های دولتی ۱۴ درصد و برای بانک‌های خصوصی ۱۷ درصد تعیین شد. در سال ۱۳۸۶ این نرخ‌ها به ترتیب برای بانک‌های دولتی و خصوصی به ۱۲ و ۱۳ درصد کاهش یافت که در مقایسه با نرخ

تورم آن سال‌ها بسیار پایین است. برای مثال، در حالی که نرخ تورم در سال ۱۳۸۶ بالاتر از ۱۸ درصد بود، بانک‌های دولتی و خصوصی به ترتیب ۱۲ و ۱۳ درصد تسهیلات داده‌اند. جدول شماره (۵)، نرخ بهره تسهیلات بانکی کشورهای شاخص را نشان می‌دهد که مقایسه نرخ‌های ایران با آنها معنادار است.

جدول شماره (۵): نرخ بهره اسمی و واقعی تسهیلات بانکی در کشورهای شاخص (درصد)

کشور	سال			۱۹۹۹			۲۰۰۰			۲۰۰۱			۲۰۰۲		
	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی	بهره اسمی	تورم	بهره واقعی
آمریکا	۸	۲/۳	۵/۷	۹/۲	۳/۴	۵/۸	۷	۳/۴	۴/۸	۴/۷	۱/۵	۳/۲			
فرانسه	۶/۴	-۰/۵	۵/۹	۶/۷	۱/۷	۵	۷	۱/۷	۵/۳	۶/۶	۱/۹	۴/۷			
کره	۹/۶	-۰/۸	۸/۶	۸/۵	۲/۳	۶/۲	۷/۷	۴	۳/۷	۶/۸	۲/۸	۴			
چین	۵/۹	-۱/۴	۷/۳	۵/۹	-۰/۳	۵/۶	۵/۹	-۰/۵	۵/۴	۵/۳	-۰/۸	۶/۱			
بحرین	۱۱/۹	-۱/۴	۱۳/۳	۱۱/۷	-۰/۷	۱۲/۴	۱۰/۸	-۰/۲	۱۰/۶	۸/۵	۱/۲	۷/۳			
میانگین بهره واقعی	۸/۱۶			۷			۵/۹۶			۵/۰۶					

مأخذ: International Financial Statistics

مقایسه نرخ متوسط بهره واقعی تسهیلات بانکی در کشورهای شاخص طی چهار سال که حدود ۶/۵۴ درصد است، با نرخ متوسط سود واقعی تسهیلات بانکی برای بخش‌های پنج‌گانه ایران طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که فقط نرخ سود واقعی بخش بازرگانی و خدمات، از نرخ متوسط کشورهای شاخص بیشتر است. ولی نرخ‌های سود واقعی بخش‌های دیگر، نه تنها در مقایسه با نرخ متوسط کشورهای شاخص کمتر است، بلکه در هیچ سالی به اندازه سود واقعی هیچ یک از کشورهای پیش‌گفته نمی‌رسد. یعنی بالاترین نرخ سود واقعی در بخش‌های تولیدی در ایران ۲/۳۶ درصد برای بخش صنعت و معدن، پایین‌تر از پایین‌ترین نرخ بهره واقعی برای پنج کشور شاخص یعنی ۳/۲ درصد است و این بدان معنا است که بخش‌های تولیدی ایران (کشاورزی، صنعت، معدن و مسکن) در مقایسه با نرخ‌های

کشورهای شاخص، پایین تر قرار دارد و همین باعث شده است که هیچ تولیدکننده خصوصی در ایران با امکان دریافت تسهیلات از نظام بانکی داخلی سراغ بانک‌های خارجی نرود؛ در حالی که پیش از انقلاب، برخی از صنایع معروف ایران، بخشی از نیازهای مالی خود را از طریق استقراض از بانک‌های خارجی تأمین می‌کردند. بعد از سال ۱۳۸۵ و یکسان شدن نرخ سود تسهیلات، نرخ سود واقعی همه بخش‌ها منفی شده است و این بدان معناست که همه بخش‌ها از یارانه مخفی استفاده می‌کنند. پیشنهاد می‌شود، تا رسیدن به وضعیتی که بتوان نرخ‌های سود را برای بانک‌ها در بخش‌های گوناگون آزاد کرد و تا زمانی که احساس می‌شود به حمایت خاص از بخش‌های تولیدی نیاز است، متوسط نرخ‌های سود واقعی تسهیلات برای بخش‌های کشاورزی ۱ درصد، مسکن ۱/۵ درصد، صنعت و معدن ۲ درصد، صادرات ۲/۵ درصد و بخش بازرگانی و خدمات ۵ درصد باشد.

۴-۴. مقایسه نرخ حاشیه سود بانکی (spread) در ایران با کشورهای شاخص

یکی از محورهایی که می‌توان با مطالعه آن، میزان کارایی نظام بانکی یک کشور را به دست آورد، نرخ‌های حاشیه سود بانکی یا تفاوت میانگین موزون نرخ سود سپرده‌ها با میانگین موزون نرخ سود تسهیلات بانکی است که در اصطلاح بانکی به آن «spread» می‌گویند. جدول ذیل این نرخ‌ها را برای کشورهای شاخص و ایران نشان می‌دهد.

جدول شماره (۶): نرخ‌های حاشیه سود بانکی (spread) در ایران و کشورهای شاخص (درصد)

سال / کشور	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	میانگین
آمریکا	۲/۶۶	۲/۷	۲/۳	۲/۹۷	۶/۹	۲/۷
فرانسه	۳/۷	۴/۱	۴	۳/۶	۳/۹	۳/۸۶
کره	۱/۵	-۰/۶	۱/۹	۱/۹	۱/۹	۱/۵۶
چین	۳/۶	۳/۶	۳/۶	۳/۳	۳/۳	۳/۴۸
بحرین	۷/۱	۵/۹	۸/۱	۷/۲	---	۷
میانگین	۳/۷	۳/۳۸	۳/۹۸	۳/۹	۳	۳/۷۲
ایران	۴/۳	۴/۹	۴/۴	۴/۹	۴/۵	۴/۸

مأخذ: منبع جدول سابق و اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی دایره پولی و بانکی، بانک مرکزی،

مهر ماه ۱۳۸۳

مقایسه نرخ‌های حاشیه سود بانکی ایران با کشورهای شاخص نشان می‌دهد که در همه سال‌های مورد مطالعه، نرخ‌های ایران بالاتر از متوسط کشورهای شاخص است؛ چنان‌که متوسط پنج سال ایران نیز در حدود ۱/۱ درصد بیشتر از نرخ متوسط پنج سال گذشته برای کشورهای شاخص است و این در حالی است که کشور بحرین با نرخ‌های بسیار بالای خود، میانگین را بالاتر نشان می‌دهد، به طوری که بدون احتساب بحرین، نرخ متوسط حاشیه سود بانکی کشورهای پیشین حدود ۲/۹ درصد است و فاصله نرخ‌های ایران با آنها در حد ۱/۹ درصد، یعنی بیش از ۵۰ درصد است. بنابراین، نظام بانکی ایران می‌تواند با مطالعات کارشناسی و کاستن از هزینه‌های اداری، سرمایه‌ای و عملیاتی و کارا کردن فعالیت‌های بانکی، به تدریج از حاشیه سود خود بکاهد و به نرخ‌های جهانی نزدیک شود.

نتایج و پیشنهادها

۱. با توجه به روایات و فتاوی فقیهان، در شرایط عادی کسی حق قیمت‌گذاری و تعیین نرخ برای کالاها و خدمات ندارد و قیمت در بازار تعیین می‌شود.
۲. در شرایط غیرعادی مانند تبانی و احتکار، حاکم اسلامی مسئولیت دارد با اتخاذ تدابیر لازم، وضعیت اقتصادی را به شرایط طبیعی برگرداند و نوبت به قیمت‌گذاری نمی‌رسد.
۳. اگر صاحبان کالاها و خدمات سوء استفاده کنند و قیمتی تعیین کنند که کسی توان خرید نداشته باشد و آن قیمت تبدیل به وسیله‌ای برای احتکار شود، حاکم اسلامی حق قیمت‌گذاری دارد.
۴. در هر صورت، قیمت تعیین شده باید متناسب با قیمت بازار باشد و موجب ضرر و زیان به فروشنده و خریدار نشود.
۵. با توجه به تأثیر تغییرات سود بانکی (سود سپرده‌ها و تسهیلات) بر متغیرهای مهمی چون دارایی و درآمد افراد و خانوارها از یک سو و سپرده‌های بانکی، سرمایه‌گذاری و تورم از سوی دیگر، هر نوع تغییری باید با مطالعات کارشناسی دقیق فقهی، حقوقی و اقتصادی باشد.

۶. سپرده‌های جاری و پس‌انداز، تابع نرخ‌های سود بانکی نیستند ولی سپرده‌های سرمایه‌گذاری، تابع مستقیم سود سپرده‌ها هستند و هر نوع کاهشی در سود آنها بدون کاهش نرخ تورم، باعث خروج بخشی از آنها از نظام بانکی می‌شود.
۷. نرخ سود واقعی تسهیلات بانکی ایران برای بخش‌های تولیدی (کشاورزی، صنعت، معدن و مسکن) به‌طور متوسط کمتر از نرخ‌های جهانی و در سال‌های اخیر برای همه بخش‌ها منفی است و این به معنای پرداخت یارانه مخفی به همه بخش‌هاست که منطقی نیست. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود نرخ‌های تسهیلات بانکی، کارشناسی و مورد بازنگری قرار گیرد.
۸. مقایسه نرخ‌های حاشیه سود بانکی ایران (spread) با نرخ‌های جهانی نشان می‌دهد که حاشیه سود بانکی در ایران (طبق محاسبه بانک مرکزی)، بیش از نرخ‌های جهانی است. لازم است با یافتن راه‌کارهای کارا، از هزینه‌های گوناگون بانکی کاست و حاشیه سود را به نرخ‌های جهان رساند.
۹. همه تصمیم‌ها و تغییرها باید با هدف رسیدن به نرخ‌های تعادلی و وضعیتی که بتوان نرخ‌ها را آزاد کرد، صورت گیرد. زیرا، فقط در آن صورت است که زمینه‌های شرع و قانون رعایت می‌شود و فساد و رانت‌خواری برچیده می‌شود و به نرخ‌های تعادلی پایدار می‌رسیم.

منابع

أ. فارسی و عربی

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. سال‌های مختلف. گزارش‌های اقتصادی.
۲. تفضلی، فریدون. ۱۳۶۶. اقتصاد کلان. تهران: نشر نی.
۳. توتونچیان، ایرج. ۱۳۷۵. اقتصاد پول و بانکداری. تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۴. توحیدی، محمدعلی. ۱۴۱۲ق. مصباح‌الفقاهه. ج ۵. الكويت: دارالهادی. الطبعة الأولى.
۵. حسینی عاملی، محمدجواد. مفتاح‌الکرامه. ج ۴. قم: مؤسسه آل‌البت للاحیاء التراث.
۶. حلّی. ۱۴۱۵ق. شرایع‌الاسلام. قم: مؤسسه المعارف‌الاسلامیه.
۷. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر. بی‌تا. منتهی‌المطلب. ج ۲.
۸. سیدرضی، محمد بن الحسین. نهج‌البلاغه (من کلام امیرالمؤمنین علیه السلام).
۹. صدوق، محمد بن علی. ۱۳۹۸ق. التوحید. قم: مؤسسه النشرالاسلامی. الطبعة الأولى.
۱۰. صدوق، محمد بن علی. من لایحضره الفقیه. قم: مؤسسه النشرالاسلامی. الطبعة الثالثة.
۱۱. الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن. ۱۴۰۱ق. تهذیب‌الاحکام فی شرح‌المقنعه. بیروت: دارالتعارف. الطبعة الأولى.
۱۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن علی. ۱۳۸۷ق. المبسوط. المكتبة المرتضویة.
۱۳. عاملی، زین‌الدین بن علی. بی‌تا. مسالک‌الافهام. ج ۱.
۱۴. الكلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۱ق. الکافی. بیروت: دار صعب و دارالتعارف. الطبعة الأولى.
۱۵. کميجانی، اکبر. ۱۳۷۲. سیاست‌های پولی مناسب. تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۱۶. گلریز و ماجدی. ۱۳۶۷. پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری. مؤسسه‌های

بانکداری ایران.

۱۷. گلیهی، فرد. بی تا. اقتصاد کلان. مترجم: مهدی تقوی. تهران: انتشارات ترمه. سوم.
۱۸. معاونت امور بانکی و وزارت امور اقتصاد و دارایی. ۱۳۸۴. نقش و عملکرد نظام بانکی در برنامه سوم توسعه اقتصادی. اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران.
۱۹. المغربی، نعمان بن محمد. ۱۳۸۹ق. دعائم الاسلام. مصر: دارالمعارف. الطبعة الثالثة.
۲۰. موسوی خمینی، روح الله (امام خمینی). ۱۳۷۶. کتاب البیع. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۱. موسویان، سیدعباس. ۱۳۸۳. بانکداری اسلامی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۲۲. الهندی. ۱۳۹۷ق. کنز العمال. بیروت: مکتبه التراث الاسلامی.

ب. لاتین

۳۴

23. www.international financial statistics.com